

بررسی انواع فعل در گویش لشنی

دکتر پریسا داوری * parisa.davarii@gmail.com

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

رویا دهقانی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد دهقان

چکیده

گویش‌شناسی، شاخه‌ای از زبان‌شناسی علمی است که در محدوده دانش نوین زبان‌شناسی قرار می‌گیرد. گویش لشنی یکی از شاخه‌های گویش لری است و گویش لری هم یکی از گویش‌های جنوب غرب ایران است. این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی کوشش می‌کند انواع فعل در گویش لشنی را بررسی کند و با زبان فارسی معیار مقایسه کند؛ به همین منظور داده‌ها به روش میدانی از طریق مصاحبه با گویشوران این زبان - به‌ویژه میانسالان و کهن‌سالان بین ۴۵ تا ۸۰ ساله - در شهرستان ارسنجان که از شهرستان‌های استان فارس است، به دست آمده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در این گویش همانند فارسی معیار سه زمان حال، گذشته و آینده وجود دارد اما به دلیل محاوره‌ای بودن و به دلیل قاعده کم‌کوشی، بیشتر برای نشان دادن کاری که در آینده انجام می‌پذیرد؛ از جمله‌ای با ساخت حال اخباری استفاده می‌شود و قید مختص آینده به آن افزوده می‌شود. همچنین در این گویش برای منفی کردن فعل از ma/na و برای استمرار به جای /mi/ از /me/ بهره می‌گیرند. از پربسامدترین پیشوندهای فعل این گویش /me/ است.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۷

۱-۱ بیان مسأله

زبان‌شناسی علم مطالعه‌ی تمامی جنبه‌های زبان بشر است. از میان بیش از شش هزار زبان دنیا، بیشتر آن‌ها هرگز به درستی توصیف، مطالعه و حتی نوشته نشده‌اند. بسیاری از این زبان‌ها در ۵۰ سال آینده از روی کره خاکی محو خواهند شد و مستندسازی این زبان‌ها امری بسیار ضروری به نظر می‌رسد. بحث زبان و زبان‌شناسی سابقه‌ی بسیار طولانی‌ای دارد چنان‌که «از سده‌های پیش از میلاد، از زمان ارسطو و افلاطون و سقراط آغاز شده و رفته رفته به سده‌های بیستم رسیده است ولی زبان‌شناسی جدید از سده‌ی بیستم با پژوهش‌های فردینان دو سوسور، زبان‌شناس سوئیسی که او را پدر زبان‌شناسی نو می‌نامند، آغاز شده است» (سوسور، ۱۳۷۸: ۲۵)

در ایران نیز بحث‌های زبان‌شناسی به ویژه در حوزه گویش‌شناسی روز به روز مورد توجه و پیگیری بیشتری قرار می‌گیرند. ایران کشوری با زبان‌ها و گویش‌های متعدد است که حفظ این زبان و گویش‌ها ضروری به نظر می‌رسد. گویش‌های ایرانی بخش مهمی از فرهنگ ما را تشکیل می‌دهد که بعضی از آنها آثار مکتوب و ادبی نیز دارند و بسیاری دیگر تنها زبان محاوره‌ی اقوام بزرگ یا کوچکی است که در گوشه و کنار فلات ایران زندگی می‌کنند که حفظ و نگهداری از آنها بر همگان لازم است و عدم توجه به آنها موجب زوال و نابودیشان است. مطالعه درباره‌ی گویش‌ها یک منبع بسیار غنی و مناسب برای پژوهش‌های زبان‌شناختی، جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی به شمار می‌آید.

زبان‌های ایرانی به شاخه‌های متعددی تقسیم می‌شوند؛ یکی از شاخه‌های زبان‌های ایرانی، شاخه‌ی جنوب غربی است. ارانسکی زبان‌های کنونی ایران را از لحاظ تاریخی و لهجه‌شناسی بررسی کرده و اظهار داشته است که زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی جنوب غربی از لهجه‌های باستانی جنوب غربی فلات ایران (سرزمین پارسه) ریشه می‌گیرند (ارانسکی، ۱۳۵۸: ۱۲۸).

گویش مورد بحث یعنی گویش لشنی نیز از شاخه‌های گویش لری است که زیر مجموعه گویش‌های جنوب غربی ایران به شمار می‌رود. اغلب پژوهشگران گویش‌های لری را به دو دسته‌ی گویش لر بزرگ و لر کوچک تقسیم کرده‌اند. دسته‌ی اول استان‌های فارس، کهگیلویه و بوختری و دسته‌ی دوم در برگیرنده‌ی استان‌های لرستان، ایلام و خوزستان شمالی است.

این پژوهش به بررسی، توصیف و تحلیل زمان فعل در گویش لشنی گویشوران شهرستان ارسنجان می‌پردازد و سپس آن را با زمان فعل در فارسی معیار مقایسه می‌کند.

شهرستان ارسنجان از شهرستان‌های استان فارس در جنوب ایران است. وسعت تقریبی آن ۱۴۶۹ کیلومتر مربع است که $\frac{1}{2}$ درصد کل مساحت استان را شامل می‌گردد و جمعیت آن بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر ۷۲۵/۴۲ نفر است. این شهرستان از غرب به شهرستان‌های مرودشت و پاسارگاد و از شرق به شهرستان‌های نی‌ریز و بوانات و از شمال به شهرستان‌های پاسارگاد و بوانات و جنوب به شهرستان خرامه محدود است (فرمانداری ارسنجان، ۱۳۸۹: ۱۱) نام این شهرستان ارسنگان بوده که «ارس» به معنای خوش‌آب و هوا و «گان» به معنای جا و مکان است اما بعد از حمله اعراب به ایران، نام این شهر به ارسنجان تغییر یافت. ارسنجان معرب ارسنگان است. این شهرستان بسیار زیبا از آب و هوایی معتدل برخوردار است و برای باغداری و کشاورزی و دامپروری محیطی مساعد دارد.

طایفه لشنی یکی از بزرگ‌ترین طایفه‌های ایران و جزو طوایف لر است و زادگاه اصلی‌شان جنوب استان همدان و شمال لرستان بوده است. آنها از طایفه زندیه هستند که در زمان سلطنت کریم‌خان جزو سپاهیان وی بوده‌اند و به همراه او به شیراز حرکت کرده و کریم‌خان را با تمام توان به حکومت رساندند. بعد از اینکه آقا محمد خان قاجار سلسله زندیه را منقرض می‌کند، این طایفه پراکنده می‌شوند؛ گروهی به ایل قشقایی و عده‌ای در بخش آباده طشک و شهرستان‌های مرودشت، ارسنجان و نی‌ریز سکنا می‌گزینند. تحقیق مورد نظر بر روی فعل در گویش طایفه لشنی در شهرستان ارسنجان انجام گرفته است. این تحقیق به قصد بررسی و آشنایی با گویش لشنی به عنوان بخشی از گویش لری صورت گرفته است که برای پژوهش‌های زبان‌شناختی مناسب است و اهمیت بسیار دارد و سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که ساخت فعل در گویش لشنی چگونه است و با فارسی معیار چه شباهت یا تفاوتی دارد؟

در مورد زبان‌ها و گویش‌های مختلف ایران تحقیقات بسیاری صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «رده‌شناسی زبان‌های ایرانی» از محمد دبیر مقدم (۱۳۹۲) در پانزده فصل نوشته شده که چهارده فصل آن به زبان‌های ایرانی پرداخته و فصل پانزدهم آن درباره یافته‌ها و پیامدهاست، «نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی» علی اشرف صادقی (۱۳۷۹) مجموعه‌ای از نقدها و بررسی‌هاست، «فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو» از محمد حسن دوست (۱۳۸۹) در این کتاب نویسنده به بررسی تحول تاریخی تطبیقی واج‌های ایرانی باستان در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو، بررسی تأثیر موقعیت جغرافیایی در تحول واج‌ها و شکل‌گیری نظام واجی هر یک از گویش‌ها، شناسایی و بازسازی لغات بازمانده در گویش‌های ایرانی پرداخته است، «معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی» ح رضایی باغ بیدی (۱۳۸۰)، «زبان‌های ایرانی» از ارانسکی (۱۳۵۸)، و...

درباره گویش لری نیز کتاب و مقالات بسیاری نوشته شده است که از آن جمله است:

کتاب‌ها :

«فرهنگ گویش لری» از محمد نظری (۱۳۹۳)، کتاب به دستور زبان و واژه‌نامه گویش لری اختصاص پیدا کرده است و گذشته بر این واژه‌ها و اصطلاحات لری با الفبای صوتی و معنی آورده شده است تا بیان و درک آن برای همه فراهم شود. «گویش لری بویبر احمدی» از اسفندیار طاهری (۱۳۹۴) در این کتاب به توصیف زبان‌شناسی و واج‌شناسی این گویش پرداخته شده و دستور آن که شامل ساخت واژه و نحوه گویش است، تحلیل شده است. «گویش لری از واج تا جمله» از احمد بارانی (۱۳۹۱) و...

مقالات :

«زمان دستوری و نمود در گویش لری بالاگریوه» از آرزو سلیمانی و فریده حق بین (۱۳۹۵) این مقاله نشان می‌دهد که این گویش دارای دو زمان دستوری گذشته و غیر گذشته است و دارای چهار ساخت دستوری حال ساده، گذشته ساده، گذشته نقلی و گذشته بعید است.

«نمود دستوری در گویش لری بختیاری» والی رضایی و مریم امانی بابادی (۱۳۹۲)، این مقاله به نمود دستور در روستای دهنو کوه‌رنگ پرداخته است و نمودهای ناقص، تام و کامل مورد تحلیل قرار گرفته و این مقاله به این نتیجه رسیده است که این گویش مانند فارسی معیار تمایز نمودی بین نمود تام، کامل و ناقص به صورت وجود یا عدم وجود تکواژ قابل تشخیص است.

«فعل در گویش بختیاری» از اسفندیار طاهری (۱۳۸۵) در این مقاله، مباحثی مانند ساخت ماده‌های مضارع و ماضی، ساخت مصدر و صفت مفعولی، ادات فعلی، انواع فعل از نظر وجه، زمان و نمود، ساخت فعل مجهول، صرف فعل‌های خاص و تأثیر فرایندهای آوایی در صرف فعل‌ها ارائه شده‌اند. در هر بخش، مباحث نحوی مرتبط با موضوع مورد بحث نیز بررسی شده است. «ساخت فعل در گویش ملایری» از سهیلا صارمی (۱۳۸۶) و...

بررسی‌ها نشان داد که تاکنون پژوهشی در مورد گویش لشنی صورت نگرفته و این تحقیق اولین پژوهش در نوع خود است.

۱- بحث و بررسی

۱-۲- تفاوت لهجه و گویش

درباره زبان و گویش و لهجه صاحب‌نظران زبان‌شناسی تاکنون تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند اما تا به حال کسی نتوانسته مرز بسیار مشخص و دقیقی برای آنها تعیین کند، ارانسکی معتقد است که «میان مفهوم زبان و گویش یک رابطه دیالکتیکی وجود دارد. شاخه شاخه شدن و پیدا شدن تفاوت میان دو زبان یک قبیله یا ملت که در اصل یک زبان واحد است منجر به تشکیل گویش می‌گردد.» (ارانسکی: ۱۳۷۸: ۲۸) عده‌ای نیز معتقدند که لهجه شکل خاصی از تلفظ زبان معیار است که «در نواحی جغرافیایی یا موقعیت‌های فرهنگی گوناگون به کار می‌رود. برخی زبان‌شناسان لهجه را مقوله فردی می‌دانند و گویش را گونه‌ای از زبان می‌دانند.» (عمادی، ۱۳۸۵: ۹) عده‌ای نیز بر این باورند که «گویش از منظر زبان‌شناسی هیچ تفاوتی با زبان ندارد. تنها عامل غیر زبانی است که چنین اصطلاحی را به جای زبان در اجتماع مرسوم می‌سازد و شاید متوجه این مسأله شده باشد که حتی در بین مردمی که از یک لهجه یا زبان خاصی مشترک استفاده می‌کنند، تفاوت‌هایی

وجود دارد که این مسأله ناشی از این است که هرکس لهجه فردی خاص خود را داراست» (مدرسی، ۱۳۶۸:۳۰)

به نظر می‌رسد تعریفی که کلباسی از لهجه و گویش می‌دهد برای نشان دادن تفاوت بین این دو بسیار راهگشا باشد؛ «گویش صورت تغییر یافته‌ای از یک زبان است که برای سخنگویان دیگر صورت‌ها قابل فهم نیست، مانند طبری، گیلکی، کردی و پشتو که مشتق از زبان‌های ایرانی قدیمند. لهجه، صورت تغییر یافته‌ای از یک زبان است که برای سخنگویان دیگر صورتهای آن زبان قابل فهم باشد، مانند مشهدی، یزدی، کرمانی، شیرازی، فارسی افغانی و تاجیکی که مشتق از زبان فارسی دری‌اند.» (کلباسی: ۱۳۷۰:۱۳)

در اصطلاح زبان‌شناسی گویشور^۱ به فردی که به زبان یا گویشی تکلم می‌کند، اطلاق می‌شود. «گویشوران بومی یک زبان کسانی هستند که به طور طبیعی آن زبان را در کودکی فرا گرفته‌اند.» (اگرادی، ۱۳۸۰:۱۰)

۲-۲- گویش لشنی

کشور ایران دارای گویش‌های متعددی است که به شاخه اصلی شرقی و غربی و شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردند. گویش لشنی جزء گویش‌های جنوب غربی ایران است. گویش‌های جنوب غربی در واقع دنباله گویش‌هایی هستند که در دوره باستان در جنوب غربی منطقه رواج زبان‌های ایرانی یعنی سرزمین پارس به کار می‌رفته است. «یکی از این گویش‌ها، یعنی پارسی در دوره هخامنشی به قید کتابت درآمده که کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی معرف آن است. در دوره میانه گویش‌های جنوب غربی در سرزمین‌های خراسان و بعدها در ماوراء النهر رواج پیدا کردند. یک گروه از این گویش‌ها و به احتمال زیاد گویش‌های آسیای مرکزی و خراسان منشأ فارسی دری ادبی است که زبان‌های فارسی و تاجیکی ادبی معاصر از آن مشتق شده‌اند و همچنین قسمت عمده گویش‌های محلی فارسی نیز به گروه جنوب غرب تعلق دارد.» (ارانسکی، ۱۳۷۸:۱۶۳)

^۱speaker

این گروه شامل زبان‌ها و گویش‌های فارسی/پارسی، فارسی نو، تاتی قفقاز، لاری، لری و بختیاری می‌باشد. گویش لشنی از شاخه‌های گویش لری است که از گویش‌های اصیل زبان فارسی دری و پر از لغات و ریشه‌های افعال فارسی میانه است. بررسی ساخت دستور و واژگانی گویش لری که به شاخه جنوب غربی مربوط است، نشان می‌دهد که «از فارسی میانه ساسانی که خود دنباله فارسی باستان است، انشعاب یافته است.» (مقیمی، ۱۳۷۳: ۲۵) بنابراین مطالعه روی گویش‌ها و به‌ویژه این گویش فواید بسیاری دارد؛ «نخست آنکه توصیف علمی کمک به زبان‌شناسی عمومی و کشف ویژگی‌های عمومی زبان است و فایده دوم آن افزودن بر اطلاعات ما از زبان‌های ایرانی است. گویش‌های منطقه فارس، فایده سومی هم دارد و آن کمک به شناخت بیشتر ما از زبان فارسی میانه است.» (سلامی، ۱۳۸۱: ۱۲)

۲-۳- زمان فعل در گویش لشنی

در این گویش فعل دو زمان دارد: حال و گذشته.

۲-۳-۱- زمان حال:

زمان حال در این گویش شامل مضارع اخباری، التزامی و ملموس است.

۲-۳-۱-۱- مضارع اخباری

فعل مضارع اخباری عملی را خبر می‌دهد که در زمان حال یا آینده انجام خواهد گرفت اما این فعل گاهی عملی را به طور مطلق بیان می‌کند مانند: گاو علف می‌خورد که هم مربوط به زمان گذشته است و هم حال و هم آینده و با قید مربوط به آینده این فعل مربوط به آینده می‌شود: او فردا می‌رود. (شریعت، ۱۳۶۴: ۱۵۹)

صورت فعل «مضارع اخباری» در گویش لشنی به صورت زیر است:

مضارع اخباری = / me / + بن مضارع + شناسه

صرف زمان‌های حال از «رفتن» / raften /

« می‌روم »	/ me - rr - em / یک - مفرد
« می‌روی »	/ me - rr - i / دو - مفرد
« می‌رود »	/ me - rr - e / سه - مفرد
« می‌رویم »	/ me - rr - im / یک - جمع
« می‌روید »	/ me - rr - in / دو - جمع
« می‌روند »	/ me - rr - en / سه - جمع

این فعل همانند فارسی معیار، با *ne / و / na /* پیش از *mi /* منفی می‌شود؛ مانند:

« نمی‌روم »	/ ne - me - rr - em /
-------------	-----------------------

تلفظ حروف بالا به خوبی نشان‌دهنده این مطلب است که برخی حروف در این گویش در برخی از زمان‌های فعل، مشدد تلفظ می‌شود.

۲-۳-۱-۲ - مضارع التزامی

فعلی است که مربوط به زمان حال یا آینده باشد و در آن معنی لزوم یا شک و تردید یا آرزو و تمنا باشد. (همان: ۱۶۱)

فعل حال التزامی در این گویش به صورت زیر می‌آید:

فعل التزامی = / ba / - / bo / + ماده حال + شناسه

صرف فعل التزامی از مصدر «گفتن» *goften /*:

« بگویم »	/ bo - w - em / یک - مفرد
-----------	---------------------------

bo - w - i / - دو - مفرد	« بگویی »
bo - w - e / - سه - مفرد	« بگوید »
bo - w - im / - یک - جمع	« بگوییم »
bo - w - in / - دو - جمع	« بگوئید »
bo - w - en / - سه - جمع	« بگویند »

صرف فعل التزامی از مصدر « زدن » / **zaden** /

ba - zzen - em / - یک - مفرد	« بزئم »
ba - zzen - i / - دو - مفرد	« بزنی »
ba - zzen - e / - سه - مفرد	« بزند »
ba - zzen - im / - یک - جمع	« بزئیم »
ba - zzen - in / - دو - جمع	« بزئید »
ba - zzen - en / - سه - جمع	« بزئند »

۲-۳-۱-۳- مضارع ملموس :

مضارع ملموس وقتی به کار می‌رود که نویسنده یا گوینده بخواهد فعلی را که در شرف وقوع یا در حال وقوع است بیان کند. (انوری، گیوی، ۱۳۸۵: ۶۱)

صورت فعل مضارع ملموس در گویش لشنی به قرار زیر است:

مضارع ساده فعل «داشتن» / **mi+ / daštan** / + ماده حال + شناسه

صرف حال استمراری فعل «خوردن» / **xordan** /

خوردن در این زبان /harden/ تلفظ می‌شود

دارم می‌خورم «	/ dar - em - mi - har - em / یک مفرد
داری می‌خوری «	/ dar - i - mi - har - i / دو - مفرد
دارد می‌خوری «	/ dar - e - mi - har - e / سه - مفرد
داریم می‌خوریم «	/ dar - im - mi - har - im / یک - جمع
دارید می‌خورید «	/ dar - in - mi - har - in / دو - جمع
دارند می‌خورند «	/ dar - en - mi - har - en / سه - جمع

۲-۳-۲- زمان گذشته :

۲-۳-۱- گذشته ساده یا ماضی مطلق

ماضی مطلق آن است که بر زمان گذشته دلالت کند خواه بر زمان نزدیک و پیوسته و خواه دور باشد (یاسمی و دیگران، ۱۳۶۸: ۲۹)

صورت تجزیه این فعل در گویش لشنی همانند فارسی معیار به صورت زیر است :

ماده گذشته + شناسه

صرف گذشته ساده از / « شنیدن » šenoftan /

شنیدم «	/ šenoft - em / یک - مفرد
شنیدی «	/ šenoft - i / دو - مفرد
شنید «	/ šenoft - / سه - مفرد
شنیدیم «	/ šenoft - im / یک - جمع

« شنیدید »	/ šnoft – in / دو – جمع
« شنیدند »	/ šnoft – en / سه – جمع

این فعل در گویش لشنی با وند نفی / na / که به آغاز آن افزوده می‌شود، منفی می‌گردد، مانند:

« نشنیدم »	/ na – šnoft – em /
------------	---------------------

۲-۳ - ۲-۲ - ماضی ملموس:

ماضی ملموس فعل را در شرف اتفاق افتادن، یا در حال اتفاق افتادن در زمان گذشته نشان می‌دهد (انوری، گیوی، ۱۳۸۵: ۵۶)

صورت تجزیه‌ای این فعل در گویش لشنی به صورت زیر است:

صرف گذشته فعل *daštan* / « داشتن » + *mi* + بن فعل + شناسه

صرف گذشته (ماضی) ملموس فعل « چیدن » / *čidan* / که *čiden* تلفظ می‌شود.

« داشتم می‌چیدم »	/ došt – em – mi – čid – em / یک – مفرد
« داشتی می‌چیدی »	/ došt – l – mi – čid – i / دو – مفرد
« داشت می‌چید »	/ došt – mi – čid – / سه – مفرد
« داشتیم می‌چیدیم »	/ došt – om – mi – čid – im / یک – جمع
« داشتید می‌چیدید »	/ došt – in – mi – čid – in / دو – جمع
« داشتند می‌چیدند »	/ došt – en – mi – čid – en / سه – جمع

۲-۳ - ۲-۲ - ماضی التزامی:

ماضی التزامی از فعلی خبر می‌دهد که واقع شدن آن در زمان گذشته لازم بوده است، اما یقین نیست که انجام گرفته باشد. (خانلری، ۱۳۶۹: ۳۵)

صورت تجزیه این فعل در گویش لشنی به صورت زیر است:

صفت مفعولی (بن ماضی +ه) + «بودن» boyen /

صرف فعل ماضی التزامی از صورت / goft - e /

گفته باشم «	/ goft - e - boy - em / یک - مفرد
گفته باشی «	/ goft - e - bo (y) - i / دو - مفرد
گفته باشد «	/ goft - e - boy - e / سه - مفرد
گفته باشیم «	/ goft - e - boy - im / یک - جمع
گفته باشید «	/ goft - e - bo (y) - in / دو - جمع
گفته باشند «	/ goft - e - boy - en / سه - جمع

فعل ماضی التزامی در این گویش با افزودن وجه نفی /na/ در آغاز فعل منفی می‌شود. همچنین می‌تواند با کلمات شرط در جمله «شاید» همراه شود: ناخوانده باشم: /na-xonde-buym/

۲-۳-۲-۴ - ماضی نقلی:

ماضی نقلی فعلی است که در گذشته واقع شود اما اثر یا نتیجه آن تا زمان حال نیز باقی است (همان: ۳۴)

صورت تجزیه این فعل در گویش لشنی چنین است:

صفت مفعولی (بن ماضی +ه) + شناسه ماضی نقلی

raft - e - em / یک - مفرد	« رفته‌ام »
raft - e - ey / دو - مفرد	« رفته‌ای »
raft - e - / سه - مفرد	« رفته‌است »
raft - e - ym / یک - جمع	« رفته‌ایم »
raft - e - yn / دو - جمع	« رفته‌اید »
raft - e - n / سه - جمع	« رفته‌اند »

فعل ماضی نقلی در این گویش با افزودن وند نفی /na/ در آغاز فعل منفی می‌شود.

نخوانده‌ام na/hond-eme

۲-۳-۲ - ماضی بعید:

ماضی بعید بیشتر برای بیان فعلی به کار می‌رود که پیشتر از فعل دیگری اتفاق افتاده باشد. فعلی را که قبلاً اتفاق افتاده با ماضی بعید و فعلی را که بعد از آن روی داده معمولاً با فعل‌هایی از قبیل ماضی ساده یا استمراری بیان می‌کنند. (انوری، گیوی، ۱۳۸۵: ۳۵)

صورت تجزیه این فعل در گویش لشنی چنین است:

صفت مفعولی (بن ماضی +ه) + صیغه صرفی فعل بودن /biden/

hard - e - bi - y - em / یک - مفرد	« خورده بودم »
hard - e - bi - y - ey / دو - مفرد	« خورده بودی »
hard - e - bi - ye / سه - مفرد	« خورده بود »
hard - e - bi - yem / یک - جمع	« خورده بودیم »

« خورده بودید »	/ hard – e – bi – eyn / دو – جمع
« خورده بودند »	/ hard – e – bi – yen / سه – جمع

۲-۳-۳ – فعل امر

فعل امر، فعلی است که با آن انجام دادن کاری یا داشتن و یا پذیرفتن حالتی را طلب می‌کنیم. برای فعل امر دو ساخت به کار می‌رود: دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع (همان: ۴۵)

تجزیه صورت این فعل در گویش لشنی چنین است :

ba – be , bo / + بن مضارع + شناسه امر

مثال امر مفرد

/ bey /	« بده »	/ ba – mir /	« بمیر »
/ ba – zzen /	« بزن »	/ ba – kkoš /	« بکش »
/ bowr /	« ببر »	/ bows /	« بدوش »
/ beyr /	« بگیر »	/ bel /	« بگذار »
/ be – her /	« بخور »	/ bo – hoft /	« بخواب »

مثال امر جمع

Ba-zzenin	« بزنید »
bohrin	« بخورید »
bakišin	« بکشید »

bajekin	« فرار کنید »
---------	---------------

برخی افعال امر در این گویش بدون وندهای / ba , be , bo / صرف می‌شوند مانند رفتن

/ row /	« برو »	/ row - in /	« بروید »
---------	---------	--------------	-----------

این فعل با وندهای / na / یا / ma / منفی می‌شود؛ مانند:

/ ma - šken /	« نشکن »
/ ma - row /	« نرو »
/ na - hoft /	« نخواب »

۲-۳-۴ - فعل نهی :

صورت منفی فعل امر، «نهی» خوانده می‌شود، نهی یعنی کسی را از کاری بازداشتن (خانلری، ۱۳۷۹: ۱۲۶)

فعل نهی نیز در این گویش مشابه فعل امر است با این تفاوت که به جای پیشوند امر، پیشوند نهی یعنی / ma / , / na / ظاهر می‌شود؛ مانند:

/ no - w /	« نگو »
/ ma - koš /	« نکش »
/ ma - škan /	« نشکن »
/ na - zan - in /	« نزنید »

۲-۳-۵ - فعل مجهول :

فعل مجهول فعلی است که آن را به مفعول نسبت می‌دهیم و فاعل آن را در جمله ذکر نمی‌کنیم یعنی فاعل معلوم نیست (همان: ۸۴)

تجزیه صورت فعل مجهول در گویش لشنی به قرار زیر است :

صفت مفعولی + صورت صرف شده مناسب فعل معین / miyun /

۲-۳ - ۵ - ۱ - حال اخباری مجهول :

bord - e - miyum / یک - مفرد	« برده می‌شوم »
bord - e - miyey / دو - مفرد	« برده می‌شوی »
bord - e - miyu / سه - مفرد	« برده می‌شود »
bord - e - miyeym / یک - جمع	« برده می‌شویم »
bord - e - miyeyn / دو - جمع	« برده می‌شوید »
bord - e - miyen / سه - جمع	« برده می‌شوند »

این فعل با در گویش لشنی با وند نفی / na / که پس از صفت مفعولی قرار می‌گیرد، منفی می‌شود؛ مانند :

bord - e - na-miyu /	« برده نمی‌شود »
bord - e - na- miyeym /	« برده می‌شویم »

۲-۳ - ۵ - ۲ - حال التزامی مجهول:

košte – boyem / یک – مفرد	« کشته بشوم »
košte – bo (y) i / دو – مفرد	« کشته بشوی »
košte – boye / سه – مفرد	« کشته بشود »
košte – boyim / یک – جمع	« کشته بشویم »
košte – boyin / دو – جمع	« کشته بشوید »
košte – boyen / سه – جمع	« کشته بشوند »

این فعل در گویش لشنی با وجه نفی / na / که پس از صفت مفعولی و پیش از ریشه فعل می‌آید، منفی می‌گردد، مانند:

košte – na-boyem /	« کشته نشوم »
--------------------	---------------

۲-۳ - ۵ - ۳ - گذشته ساده مجهول:

gofte – biyem / یک – مفرد	« گفته شدم »
gofte – biyey / دو – مفرد	« گفته شدی »
gofte – bi - / سه – مفرد	« گفته شد »
gofte – biyeym / یک – جمع	« گفته شدیم »
gofte – biyeyn / دو – جمع	« گفته شدید »
gofte – biyen / سه – جمع	« گفته شدند »

البته این نکته را از نظر نباید دور داشت که «تمایل زبان فارسی بر این است که تا وقتی از ساختمان معلوم می‌توان استفاده کرد از مجهول استفاده نکند» (باطنی، ۱۳۷۴: ۱۳۶)

۲-۳-۶ - فعل نفی

در این گویش، همه فعل‌ها با افزودن پیشوند فعلی / na / منفی می‌شود؛ مانند :

/ raft - em /	« رفتم »
/ naraft - em /	« نرفتم »
/ merr - em /	« می‌روم »
/ na merr - em /	« نمی‌روم »
/me-(h) am/	« می‌خواهم »
Na-me-ham	«نمی‌خواهم»

۲-۳-۷ - زمان آینده

فعل آینده یا مستقبل آن است که بر انجام عملی در زمان آینده دلالت کند... طرز ساختن این فعل چنان است که فعل مضارع (بدون می و ب) از مصدر کمکی خواستن را به دست می‌آوردیم. (= خواهم، خواهی، خواهد، خواهیم، خواهید، خواهند) و پس از آن مصدر یا بن ماضی می‌آوریم. (شریعت، ۱۳۶۴:۱۶۳)

در این گویش زمان آینده با مصدر کمکی خواستن بسیار کم به کار برده می‌شود، مانند :

saba miam dars behonam

فردا می‌خواهم درس بخونم

در این گویش بیشتر زمان آینده فعل شبیه زمان حال است و برای نشان دادن کاری که در آینده انجام خواهد گرفت معمولاً از جمله‌ای با ساخت حال اخباری به اضافه قید آینده استفاده می‌شود که دلیلش می‌تواند قاعده کم‌کوشی در گویش‌ها باشد؛ زیرا «این فعل بیشتر در نوشته‌ها به کار می‌رود و در مکالمه، فعل زمان حال را به جای آینده به کار می‌برند.» (همان:۱۶۳)

فردا می‌برمت شهر sabā mioramet shahr

unun pas sabā merren karballā آنها پس فردا می‌روند کربلا

emšow sāate dah mioftem امشب ساعت ده می‌خوابم

sale diye hunamoneh gaptar mikonim سال دیگر خانه‌مان را بزرگتر می‌کنیم

čidan	č	چ
(xordan) Harden	X که h تلفظ می‌شود	خ که ح تلفظ می‌شود
šenoftan	š	ش
ba – mir	b	بِ امر که گاهی بَ تلفظ می‌شود
bo – w – em	g	گاهی گ در افعالی مانند بگویم تلفظ نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

گویش لشنی که یکی از گویش‌های جنوب غرب ایران است و همانند زبان فارسی معیار دارای سه زمان حال، گذشته و آینده است که البته به دلیل شفاهی و محاوره‌ای بودن برای زمان آینده از

فعل با ساختار مضارع اخباری استفاده می‌شود و قید مختص به آینده به آن افزوده می‌گردد؛ هم-چنین برای استمرار فعل به جای /mi/ از /me/ بهره می‌گیرند و برای منفی کردن فعل از /ne/ و /na/ استفاده می‌شود. در این گویش فعل‌ها تقریباً همانند فعل‌های فارسی معیار ساخته می‌شوند اما در تلفظ واج‌ها تفاوت‌هایی همچون حذف یا قلب وجود دارد. در این گویش فعل مضارع اخباری = /me/ + بن مضارع + شناسه ساخته می‌شود و جای mi استمراری me به کار می‌رود. مضارع ملموس همانند فارسی معیار است و از مضارع ساده فعل «داشتن» /daštan/ + /mi/ + ماده حال + شناسه ساخته می‌شود و مضارع التزامی جای be بدر اول فعل ba یا bo آورده می‌شود. فعل ماضی در این زمان فعل ماضی ساده، التزامی، نقلی و ملموس همانند فارسی معیار است و ماضی بعید صیغه صرفی فعل بودن /biden/ تلفظ می‌شود. فعل امر: با سه حرکت فتحه و کسره و ضمه همراه با بای امر bo , be - ba / صرف می‌شود. فعل مجهول در این گویش صورت صرف شده مناسب فعل معین /miyun/ است که به جای شدن به کار می‌رود و فعل نفی با دو صورت +ma/na صورت فعل ساخته می‌شود.

فهرست منابع

- احمدی گیوی، ح و انوری، ح. (۱۳۸۵). دستور زبان فارسی ۱، تهران: فاطمی.
- اگردای، و. (۱۳۸۰). درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر، ترجمه علی درزی، تهران: مهر.
- ارانسکی، ای، ام. (۱۳۵۸). مقدمه فقه اللغه ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- (۱۳۷۸). زبان‌های ایرانی، ترجمه علی اشرف صادقی، تهران: سخن.
- باطنی، م. (۱۳۷۴). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.
- خانلری، پ. (۱۳۷۹). دستور زبان فارسی، تهران: توس.
- سلامی، ع. (۱۳۸۱). فرهنگ گویش دوانی، تهران: نشر آثار فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی.
- سوسور، ف. (۱۳۷۸). درس‌هایی از زبان‌شناسی همگانی، ترجمه نازیلا خلخالی، تهران: فرزانه روز.
- شریعت، م. (۱۳۶۴). دستور زبان فارسی، تهران: اساطیر.
- عمادی، ن. (۱۳۸۵). گویش مرودشتی، شیراز: ایلاف.
- فرمانداری ارسنجان. (۱۳۸۹). آمارنامه شهرستان ارسنجان.
- کلباسی، ا. (۱۳۷۴). فارسی ایران و تاجیکستان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارت وزارت خارجه.
- مدرسی، ی. (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مقیمی، ا. (۱۳۷۳). بررسی گویش شناختی بویراحمد، شیراز: نوید شیراز.
- یاسمی، ر و دیگران. (۱۳۶۸). دستور زبان فارسی پنج استاد، تهران: انتشارات اشراقی.